

# پوستر، زبان گویای خطوط و رنگها

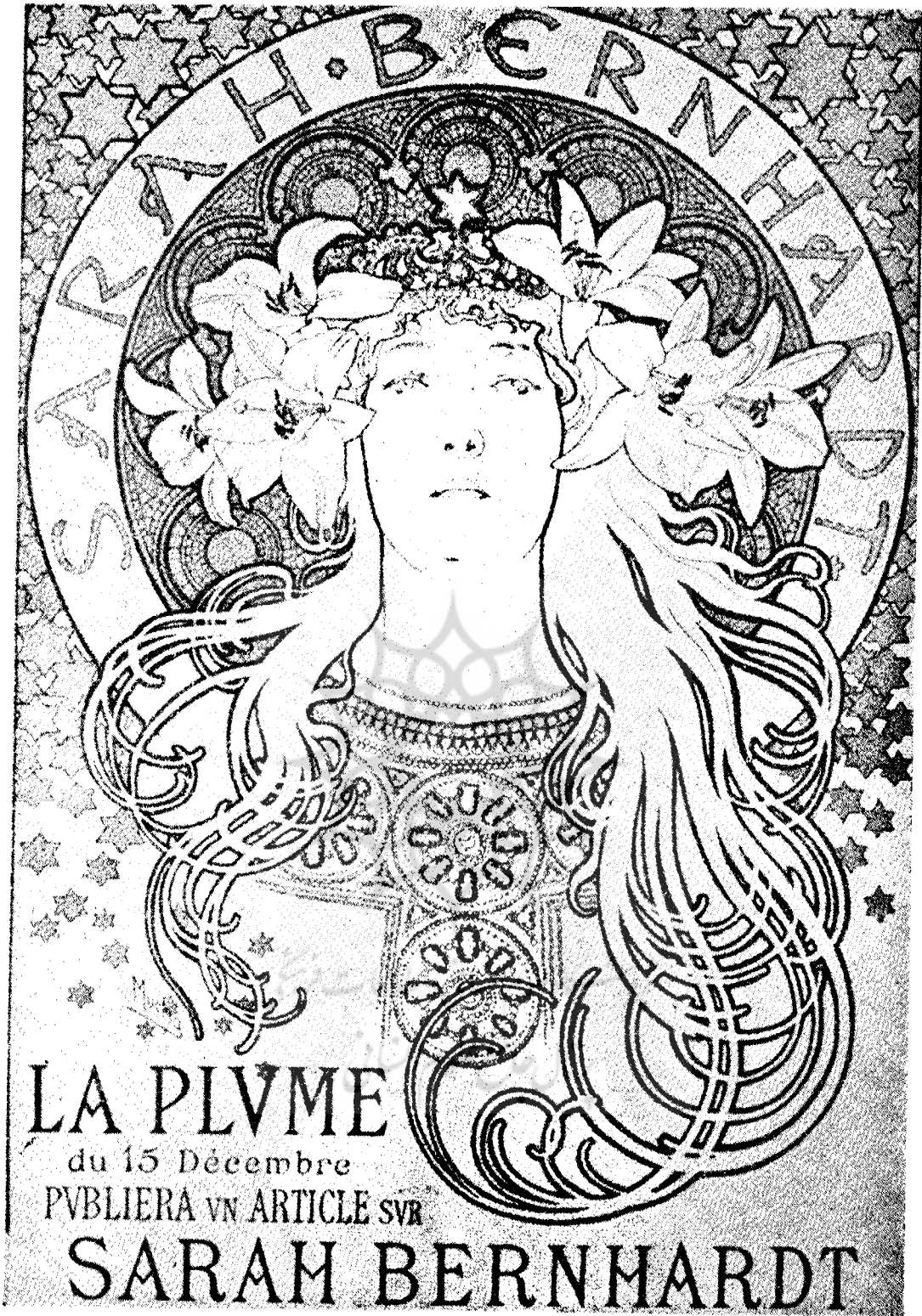
● بهروز صوراسرافیل

جوانب حیات آدمی ، لاقدر در اجتماعات صنعتی نفوذ و تأثیر کرد . تغییرات و تحولات بسیاری که بر همه‌ی عوامل اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی این قرن بوجود آمد ، هنر را نیز در حیطه‌ی گسترش خود گرفت . سرآمد این تحولات بنیادی ، بطور قطع انقلاب صنعتی اروپا بود . انقلاب صنعتی ، روابط تازه‌ای را میان گروه‌های گوناگون وابسته به صنعت و تولید (کارگر ، کارفرما ، مصرف کننده) بوجود آورد و از طریق دگرگونی کیفی و کمی تولید و مواد تولیدی نیازهای تازه‌ای را مطرح نمود . از این نیازهای

هنر ، بعنوان پدیده‌ای وابسته به فرهنگ ، در طول تاریخ همواره «موثر» بوده است . البته میزان این تأثیر بی‌گمان در ادوار گوناگون یکسان نبوده اما بهر حال ازممانی که جوامع انسانی شکل گرفته است ، انسان هیچگاه از درگیری با «هنر» بکلی برکنار نبوده است . قرن نوزدهم ، همانگونه که نقطه‌ی تحولی شگرف در تاریخ جهان بود ، از اعصاری محسوب می‌شود که در آن مسئله‌ی هنر بگونه‌ای وسیع در بیشتر



آفیش از دومیه



آفیش از موشا

تازه ، یکی نیز وجود واسطه‌هایی بود که میان تولیدکنندگان کالاهای صنعتی با مصرف‌کنندگان این قبیل محصولات ارتباطی بیشتر بوجود آوردند . به عبارت ساده‌تر «تولیدانبوه» Mass Production مشتریان انبوه نیز می‌خواست . باین ترتیب حرفه‌ی «تبلیغات» بوجود آمد و لاجرم رابطه‌ی میان هنر (بدلیل تأثیری که بر مردم واجتماع داشت) با اقتصاد و تجارت جداً مطرح شد .

\*\*\*

«هنرهای زیبا» برای اولین بار نبود که درگیر مسئله‌ای که بهتر است آنرا «طراحی گرافیک» (از واژه‌ی فرانسوی Graphisme) بخوانیم تا «هنر تجارتمی» می‌شد . واژه‌ی «گرافیک» به معنای فوق‌العاده گوناگونی در هنر بکار رفته است . دایرة‌المعارف «لاروس» در برابر گرافیک می‌نویسد: از ریشه‌ی یونانی Graphikos به معنی نوشتن یا رسم کردن یا نگاهتن - آنچه که بوسیله‌ی علامات ، طرح‌ها و بطور کلی بوسیله‌ی طرح خطی چیزی را بنمایاند .

اما «هنر گرافیک» در معنای امروزی ، تمام شیوه‌ها و طرق تکثیر و استفاده‌ی هنرمندانه از خطوط طرح‌ها و رنگ‌ها را در بر می‌گیرد که می‌توان از میان مهم‌ترین این شیوه‌ها گراور ، کلیشه‌سازی ، لیتوگرافی ، سری‌گرافی و حتی صفحه‌آرایی و عکاسی را نام برد . گوناگونی شیوه‌های هنر گرافیک و طرق بیانی آن به حدی است که در بیشتر زمینه‌های صنعت و تجارت از تبلیغات گرفته تا طرح‌ریزی صنعتی برای فرآورده‌های پیچیده‌ی ماشینی و الکترونیکی نفوذ کرده است .

در موزائیک‌های رومی نشانه‌هایی از آغاز هنر گرافیک وجود دارد . این موزائیک‌ها بعنوان تابلوی مغازه‌ها ، تزئین کف تالارها ، یا علامت‌های ویژه‌ی اعلام خطر بکار می‌رفته است . مثلاً

هنر مردم

بزرگی شد که پوستر معروف ادوار مانه (۱۸۶۸) یکی از مشهورترین آنهاست . شیوه‌های اجرای «دومیه» که از تکنیکی سریع ، ساده برخوردار بود سالیان دراز در لیتوگرافی مورد استفاده قرار می‌گرفت . در سال ۱۸۸۰ نهضت جدید گسترش فراوانی یافت . «توفیل الکساندر اشتین‌لن»<sup>۵</sup> ، شیوه‌های «دومیه» و «گاورنی»<sup>۶</sup> را به حد اعتدالی خود رساند . او بروی سطوح بسیار بزرگتر از پیشینیان خود کار می‌کرد و استفاده از رنگ و بافت را در پوسترها توسعه بخشید . در همین هنگام نخستین بارقه‌های توجه به ارزش تزئینی اشکال در آثار گرافیک درخشید . دیگر تمام سطح چهار گوش پوستر از فرمها و رنگها پر نمی‌شد و قسمتهای سفید مانده و استفاده نشده نیز اهمیتی همپای قسمتهای نقاشی شده یافت .

اما کسی که مفهوم «پوستر» را کاملاً دیگرگون کرد ، «تولوز لوترک»<sup>۷</sup> بود . او از حکاکی‌های ژاپنی تأثیر پذیرفت و به جزئیات هنر ظریف مشرق زمین علاقمند شد . نخستین پوستر لوترک «لاگولو» La Goulue بود که درسال

موزائیکی از «پمپی» در دست است که مضمون آن چنین است : « مواظب سگ باشید» . در این موزائیک از تصویرسگی درنده برای ایجاد تأثیر بصری بیشتر در بیننده استفاده شده است . اگر به زمان حاضر نزدیک‌تر شویم نمونه‌های دیگر از آغاز بیان گرافیک مشاهده می‌کنیم . نقاشانی مثل «هوگارت»<sup>۱</sup> نیز آثاری تبلیغاتی برای صاحبان فروشگاهها و صنایع کشیده‌اند . این تبلیغات بصری ، اندک اندک گسترش بسیار یافت تا در قالب یکی از مهمترین وسایل انتقال واطلاعات و اخبار شکل گرفت و آن «پوستر» بود . گروهی نخستین پوستر جهان را تبلیغ دیسواری «ویلیام کاکستون» در سال ۱۶۷۷ میلادی می‌دانند ، اما اتفاق نظر بیشتر محققان تاریخ هنر در آن است که نخستین پیوند حقیقی میان هنرمند و سوداگر در حدود سال ۱۸۶۰ بوجود آمد . در این هنگام دانش نوین به شهروندان قدرت خرید بیشتری بخشید . کالاها دیگر به تعداد اندک در سطح محلی تولید نمی‌شد و در محدوده‌ای کوچک نیز بفروش نمی‌رسید . بزودی زمان آن فرا رسید که مصرف‌کننده نوع خاصی از کالا را می‌خواست ، نه تنها خود کالا را . و می‌خواست از نام آن نوع خاص آگاه شود . از همین‌جا هنر پوسترسازی و پوسترکشی اهمیت بسیار یافت و بسیاری از هنرمندان بزرگ زمانه را به خود مشغول کرد .

«دومیه»<sup>۲</sup> و «مانه»<sup>۳</sup> همزمان با هم شروع به کشیدن پوستر کردند . در همین اوان استفاده از لیتوگرافی<sup>۴</sup> برای چاپ ، محدودیت‌های بسیاری را از میان برد . دیگر لازم نبود برای چاپ شکل ، طرح آنرا بروی فلز یا چوب حکاکی کنند . بعلاوه اوراق چاپی ابعادی بزرگتر یافت که هرگر حکاکی بروی چوب و فلز نمی‌توانست با آن برابری کند . این امکانات تازه باعث بوجود آمدن آثار

۱ - ویلیام هوگارت William Hogarth  
نقاش و گراورساز انگلیسی (۱۷۶۴ - ۱۶۹۷) -  
هوگارت بخاطر پرتره‌های هنرمندانه‌ای که کشیده (مثلاً پرتره «گاریک و همسرش» در موزه‌ی ویندسور) شهرت فراوان دارد .

۲ - اونوره دومیه Honoré Daumier  
(۱۸۰۸ - ۷۹) نقاش معروف فرانسوی که بیش از ۴۰۰۰ لیتوگراف هجوآمیز از اوضاع سیاسی واجتماعی زمان خود باقی گذاشته است .

۳ - ادوار مانه Edouard Manet  
(۱۸۳۲ - ۸۳) نقاش معروف امپرسیونیست فرانسوی .

۴ - Lithography

۵ - Théophile Alexandre Steinlen

۶ - Gavarni

۷ - Henri Marie Raymond de

Toulouse - Lautrec (۱۸۶۴ - ۱۹۰۱)

۱۸۹۱ و برای کاباره مولن‌روژ پاریس تهیه شد. از آن پس لوترك ليتوگراف-های بسیاری از مناظر مولن‌روژ ورقاصان و بازیگران تاتر تهیه کرد که بسیار مشهور و حتی امروز نیز از پرفروش‌ترین پوسترهاست.

لوترك در آثارش از خط، نه‌بعنوان مرز میان سطوح مختلف، بلکه همچون عاملی مثبت استفاده می‌کرد. او برای نخستین‌بار هر رنگ را با استفاده از صفحه‌ای جداگانه چاپ کرد و ترکیبات رنگ را با تعدد دفعات چاپ بروی يك سطح بوجود آورد. آثار او علاوه بر پوسترهای تبلیغاتی شامل صورت غذای رستورانها، برنامه‌های تماشاخانه‌ها، جلد کتب و از این قبیل بود. لوترك هر طرح را با خطوط اندك و ساده نشان می‌داد و باین ترتیب ارزش خط را در آثار خود افزایش می‌داد. فرمایش ساده بود و از سطوح رنگین بزرگ تشکیل می‌شد. با اندك دقتی در آثار وی، متوجه تسلط بسیار لوترك بر طراحی می‌شویم. او به بازی نور، آنگونه که امپرسیونیست‌ها اهمیت می‌دادند، و قوی نمی‌نهاد بلکه بیشتر متوجه «فرم» و «حرکت» بود. لوترك هیچگاه هیچیک از تئوری‌های رایج در هنر عصر خویش را نپذیرفت، و عضویت هیچ گروه هنری یا مکتب زیباشناسی‌ای را نیز نداشت.

بدین ترتیب اندك اندك هنر مفهومی تازه یافت. دیگر اثر هنری تنها به بومی آویخته از دیوار موزه اطلاق نمی‌شد. هنر قابل تکتیر، گسترش بیشتری یافته بود و هر پوستر چایی در عین داشتن تیراژی عظیم، خود اثری منحصر بفرد محسوب می‌شد.

همپای این جنبه‌ی جدید از هنر، طرفداران گسترش هنر از طریق تلقیق با اقتصاد و با استفاده از تکنیک‌های رو به پیشرفت صنعت چاپ، پاسخ‌های بیش از پیش قانع‌کننده‌ای در دفاع از نظریات

تولوز لوترك، نابغه کوتاه قد در کنار یکی از آثارش

کلیسا و محرابها را به سفارش کشیشان نقاشی می‌کردند و آثاری جاودان پدید می‌آوردند هنرشان «تجاری» نبود؟ گذشته از این، هنرمند گرافیکست به آویختن تابلویش در يك گالری و در انتظار بیننده‌ای احتمالی نمی‌نشست، بلکه نمایشگاه آثارش مجله‌ها، روزنامه‌ها، سردر سالن‌های تاتر و سینما و درودیوار شهرها بود. او مستقیماً با گروه انبوهی از مردم روبرو بود.

خود یافتند. آنان دیگر تفاوت و فاصله‌ای میان هنرهای «زیبا» و «تجاری» نمی‌دیدند. چه تفاوتی می‌توانست میان پرتره‌سازی که آثار خود را به قیمت خوب به خریداران می‌فروشد با يك نقاش پوستر وجود داشته باشد؟ آیا يك نقاش رنگ روغن، حتی اگر بد نقاشی کند، مشمول دایره‌ی هنرهای زیبا و يك پوسترساز گرچه بهترین آثار را پدید آورد خارج از این دایره قرار می‌گیرد؟ آیا هنرمندانی که در قرن چهارده و پانزده دیوارهای



شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
فصل دوم علوم انسانی

aristide  
BRUANT  
dans son cabaret

آفیش از لوترک